



ابوالهول

فرشاد صالح زهى



نگهبان اهرام می دانستند.

بنا بر تحقیقات علمی جدید، به نظر می رسد که، ابوالهول در ابتدا، کاملاً شبیه یک شیر بوده، نه موجودی با سر انسان و پیکر شیر. دانشمندان تندیس ابوالهول در شکل کنونی آن را، متعلق به بازه ی زمانی ۲۲۵۰ تا ۲۴۵۰ پیش از میلاد، یعنی تقریباً همزمان با ساخت نخستین هرم می دانند، در حالی که تاریخ ساخت صورت اولیه آن را بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد می دانند. به نظر می رسد که سر مجسمه بعداً ساخته شده و در محل فعلی نصب گردیده است. زیرا علاوه بر شواهد علمی، به لحاظ معماری نیز، تناسبی بین سر و اجزای مجسمه وجود ندارد، در حالی که می دانیم که مصریان تا بدان حد به جزئیات پیکرتراشی توجه داشته اند که حتی عدم تقارن دو سوی چهره را نیز در پیکرتراشی نشان می داده اند. در مورد از میان رفتن بینی ابوالهول نیز بنا بر اسناد تاریخی، تخریب آن را به یک صوفی متعصب به نام «محمد ثانییم الدهر» نسبت می دهند. متخصصان تاریخ هنر، این سبک پیکرتراشی را به هنر بین النهرین نسبت می دهند که در حوزه تمدنی یونان، مصر و ایران نیز با تفاوتیایی دیده می شود. (به عنوان نمونه می توان به شیردال ها، هما و ... در حجاریهای تخت جمشید اشاره کرد.)

توضیحاتی کوتاه پیرامون پیکره ابوالهول :

این پیکره که به یونانی اسفیگس، به لاتین اسفینکس و به عربی ابوالهول نامیده می شود، غول افسانه های مصر باستان است. به لحاظ ظاهری موجودی است با سری از انسان (معمولاً مونث)، پیکری از شیر و مزین به بالهای عقاب، که کسانی را که موفق به حل معمای او نشوند، می کشد. برخی او را مظهر آفتاب و بعضی الهه ای می دانند که به قصد تعظیم و تکریم الهه حکمت و دانش «نیت» ساخته شده است. گاهی نیز در کسوت نگهبان حافظ نظم جهان با دستار انحصاری شاهی مجسم شده است. به طرز عجیبی در طول تاریخ اسرارآمیز جلوه کرده است و بیش از هر پدیده دیگری در ادبیات و فرهنگ تاثیرگذار بوده است.

در طول تاریخ مجسمه های ابوالهول بسیاری ساخته شده است، اما قطعاً معروفترین آنها همانست که در جیزه، خارج از قاهره پایتخت کنونی مصر واقع است. طول این پیکره ۷۳/۵، عرض آن ۶ و ارتفاع آن ۲۲ متر می باشد و در حاشیه شمالی شهر امروزی قاهره، در مجاورت هرم خفرع (Pyramid of Khafre) (دومین هرم از اهرام ثلاثه به لحاظ ابعاد و سالمترین آنها به لحاظ شکل هرمی) قرار دارد و بزرگترین مجسمه سنگی جهان است. مصریان باستان او را



موزه لوور در تهران

در میان سالن «رویای جهانی شدن» مجسمه ابوالهول یا پیکر لمیده دیده می شود. چهره این مجسمه متعلق به «فرعون هاکور» است. مصریان باستان او را نگهبان حافظ نظم جهان می دانستند. این مجسمه از سنگ گرانودیوریت سیاه در فاصله سالهای ۳۹۳-۳۷۹ پیش از میلاد ساخته شده است. اگر از عدم تجسم مردمک های چشم بگذریم، می توان گفت که در مجموع حجار، در نمایش ظرافتهای یک چهره انسانی موفق عمل کرده است به طوری که با کمی دقت می توان عدم تقارن دو سوی چهره را نیز مشاهده کرد. این ظرافت در مورد تنه مجسمه کمتر به کار گرفته شده است، زیرا علی رغم تجسم نسبتا قابل قبول دم و برخی از عضلات دست و پا، بعضی از قسمتها، مانند پنجه ها و یا بخشهایی از شکم، به خوبی سایر نقاط تنه مجسم نشده اند. در پایه ستون نیز به نظر می رسد که مطالبی به خط هیروگلیف (hieroglyph) آمده است.

اثرگذاری این موجود اسطوره ای و افسانه ای تنها مختص جهان باستان نبوده و در دنیای معاصر نیز می توان رد پای آن را در حوزه های مختلف فرهنگی پی گرفت. به عنوان مثال در فرهنگ معاصر می توان در زمینه ادبیات به داستانهایی اشاره کرد که با الهام از اساطیر مصر به نگارش در آمده اند و عنصر غالب در آنها رمز و راز و معماست. و یا در زمینه سینما می توان از استفاده شماتیک از این موجود افسانه ای یاد کرد و یا به بهره برداری کمپانی های بزرگ فیلم سازی برای نمایش رمز آلودگی، اسرار آمیزی، دست نیافتنی بودن و... ابر ستاره های مونث تاریخ سینما، مانند مارلنه دیتریش (Marlene Dietrich)، هدی لامار (Hedy Lamarr)، ریتا هیورث (Rita Hayworth)، الیزابت تیلور (Elizabeth Taylor)، سوفیا لورن (Sophia Loren)، بریژیت بارد (Brigitte Bardot) و... اشاره داشت، ستارگانی که به نظر می رسد که خصوصیات ذاتی اغواگری و ائیری بودن آنها همخوانی بسیاری با خصایص این اسطوره کهن دارد.

